



زیارت اربعین (بیستم صفر)

مطابق روایت «شیخ طوسی» در «تهذیب» و «مصباح المتهدّج»، از امام حسن عسکری (علیه السلام) زیارت اربعین یکی از علامات مؤمن به حساب آمده است. می فرماید: «علامات مؤمن پنج چیز است: ۵۱ رکعت نماز گزاردن (۱۷ رکعت نماز واجب و ۳۴ رکعت نافله) در هر شب و روز، و زیارت اربعین و انگشتر در دست راست کردن و بر خاک سجده نمودن و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم (در نمازها)» (۱).

اشاره به این که از ویژگی های شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) این پنج چیز است و انتخاب زیارت اربعین احتمالاً به خاطر آن است که زیارت شهدای کربلا از روز اربعین آغاز شد و در این روز، در زمان ما آن چنان انبوهی از جمعیت عاشقان و دلدادگان امام حسین (علیه السلام) در کربلا جمع می شوند که در هیچ موقع از سال - حتی عاشورا - چنان جمعیت عظیمی دیده نمی شود. زیارت اربعین به دو صورت نقل شده است:

زیارت اول: «شیخ طوسی» از «صفوان جمّال» روایت می کند که گفت: مولایم امام صادق (علیه السلام) در ارتباط با زیارت اربعین به من فرمود: هنگامی که روز، بالا آمد خطاب به امام حسین (علیه السلام) می گویی:

اَلسَّلَامُ عَلٰی وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيْبِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی خَلِيْلِ اللَّهِ وَتَجِيْبِهِ، اَلسَّلَامُ

سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب او سلام

عَلٰی صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيَّتِهِ، اَلسَّلَامُ عَلٰی الْحُسَيْنِ الْمَظْلُوْمِ الشَّهِيدِ،

بر بنده بر گزیده خدا و فرزند بر گزیده اش سلام بر حسین مظلوم و شهید

أَسْلَامٌ عَلَىٰ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُ اَنَّهُ وِلِيُّكَ،
 سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاری ها اسیر بود و کشته اشکِ روان گردید
 خدایا من براستی گواهی دهم که آن حضرت ولیّ (و نماینده) تو
 وَابْنُ وِلِيِّكَ، وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ، اَلْفَايِزُ بِكِرَامَتِكَ، اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ،
 و فرزند ولیّ تو بود و برگزیده ات و فرزند برگزیده ات بود که کامیاب شد به
 بزرگداشت تو، گرامیش کردی بوسیله شهادت
 وَحَبْوَتُهُ بِالسَّعَادَةِ، وَاجْتِنِيَّتُهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِّنَ السَّادَةِ، وَ
 و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به پاکزادی و قرارش دادی
 یکی از آقایان (بزرگ) و
 قَائِدًا مِّنَ الْقَادَةِ، وَذَائِدًا مِّنَ الذَّادَةِ، وَاعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْاَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ
 از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند و میراث های
 پیمبران را به او دادی و از اوصیایی که
 حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنَ الْاَوْصِيَاءِ، فَاَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحَ النَّصْحِ، وَبَدَّلَ
 حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی او نیز در دعوت مردم جای عذر و
 بهانه ای (برای کسی) نگذارد و بی دریغ خیرخواهی کرد و جان خود را
 مُهْجَتَهُ فَيَكُ لَيْسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَخَيْرَهُ الضَّلَالَةَ، وَقَدْ تَوَازَرَ
 در راه تو داد تا برهاند بندگان را از جهالت و نادانی و سرگردانی گمراهی و
 چنان شد که همدست شدند
 عَلَيْهِ مَنُ غَرَّتُهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْاِرْدَلِ الْاَدْنَىٰ، وَشَرَىٰ اٰخِرَتَهُ
 بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریبشان داد و فروختند بهره (سعادت
 خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد آخرتش را
 بِالثَّمَنِ الْاَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّىٰ فِي هَوَاهُ، وَاسْخَطَكَ (۲) وَاسْخَطَ

در مقابل بهایی بی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس

سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را

نَبِيِّكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ

به خشم آوردند و پیروی کردند از میان بندگانت آنانی را که اهل دو دستگی

و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه بدوش می کشیدند

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّى سَفِكَ فِي

و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با

شکیبایی و پاداش جویی با آنها جهاد کرد تا خونش در راه

طَاعَتِكَ دَمُهُ، وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَتِهِ، اَللّٰهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا، وَعَذَّبْهُمْ عَذَابًا

پیروی تو ریخت و حریم مقدّسش شکسته شد خدایا آنان را لعنت کن به

لعنتی وبال دار و عذابشان کن به عذابی

أَلِيمًا، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْاَوْصِيَاءِ،

دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیا

أَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِيْنُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِيْنِهِ، عِشْتَ سَعِيْدًا، وَمَضَيْتَ حَمِيْدًا، وَمِتَّ

گواهی دهم که براستی تو امانت دار خدا و فرزند امانت دار اوایی سعادت‌مند

زیستی و ستوده از دنیا رفتی و گم گشته

فَقِيْدًا مَظْلُوْمًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهُ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ، وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ،

و ستم‌دیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا براستی وفا کند بدان

وعده ای که به تو داده و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت

برداشت

وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ اَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيْلِهِ

و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو بخوبی وفا کردی به عهد خدا و جهاد کردی در راه او

حَتَّىٰ آتِيكَ الْيَقِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که

سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوُّ

شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو را گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم

لِمَنْ عَادَاهُ، بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا

با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم بفدایت ای فرزند رسول خدا گواهی دهم که تو براستی نوری بودی

فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ (۳)، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

در پشت پدرانی بلند مرتبه و رَحِمَهایی پاکیزه که آلوده ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت

بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ

به آلودگیهایش و دربرت نکرد از لباس های چرکینش و گواهی دهم که براستی تو از پایه های

الدِّينِ، وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ

دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو براستی پیشوای نیکوکار

التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ، الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأِيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةٌ

با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته ای و گواهی دهم که همانا
امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوا

التَّقْوَى، وَ أَعْلَامُ الْهُدَى، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا،

و نشانه های هدایت و رشته های محکم (حق و فضیلت) و حجت هایی بر
مردم دنیا هستند

وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَايِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي،

و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین
دینم و عواقب کردارم

وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِيمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى

و دلم تسلیم دل شماست و کارم پیرو کار شماست و یاریم برایتان آماده است
تا آن که

يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدْوُكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى

خدا در ظهورتان اجازه دهد پس با شمایم نه با دشمنان شما دروهای خدا بر
شما و بر

أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ
الْعَالَمِينَ.

روانهای شما و پیکرهایتان و حاضران و غایبتان و آشکارتان و نهانتان آمین
ای پروردگار جهانیان.

آنگاه **دو** رکعت نماز می خوانی و دعا می کنی به آنچه خواهی، سپس برمی
گردی. (۴)

زیارت دوم: مرحوم «علامه مجلسی» از «سید بن طاووس» نقل می کند که یکی
از دوستان جابر بن عبدالله به نام عطا (عطیه) می گوید: روز بیستم ماه صفر با

جابر بن عبدالله انصاری بودم، وقتی به «کربلا» رسیدیم در آب فرات غسل کرد و پیراهن پاک و تمیزی که با خود داشت پوشید و به من گفت: آیا از بوی خوش چیزی به همراه داری؟ گفتم: آری! قدری از آن بر سر و بدن پاشید و پا برهنه روانه شد، تا به مزار حضرت رسید، نزد سر مبارک امام حسین (علیه السلام) ایستاد و سه مرتبه **الله اکبر** گفت و افتاد و بی هوش شد. وقتی به هوش آمد شنیدم که گفت **«السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ...»** (۵) که عیناً همان زیارت نیمه رجب است

۲. در تهذیب کلمه «اسخطک» نیامده، ولی در مصباح المتهجد آمده است.

۳. در تهذیب و مصباح المتهجد به جای «المطهرة» الطاهرة آمده است.

۴. تهذیب، جلد ۶، صفحه ۱۱۳، حدیث ۱۷ و مصباح المتهجد، صفحه ۷۸۸ و بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۳۱، حدیث ۲.

۵. بحارالانوار، جلد ۹۸، صفحه ۳۲۹، حدیث ۱.

